

روسیه و حضور ایران در سوریه

کیهان بزرگ*

حضور روسیه در میدان بحران سوریه از سپتامبر ۲۰۱۵ پویایی جدیدی به نقش این کشور در معادلات منطقه‌ای و به‌ویژه روابط آن با ایران داده است. اکنون فراتر از همکاری‌های سیاسی-امنیتی ایران و روسیه در سوریه، دو کشور صحبت از همکاری‌های مشترک و جامع در حوزه‌های اقتصادی، انرژی و توریسم می‌کنند. اما در کنار این تحول، هرچندگاه بحث موضع روسیه نسبت به حضور ایران در سوریه و توافق احتمالی با سایر قدرت‌ها به‌ویژه آمریکا که می‌تواند منافع ایران را قربانی کند، در مباحث روشنفکری و سیاسی ایران مطرح می‌شود. اخیراً هم خبری منتشر شده مبنی بر اینکه روسیه با آمریکا و اسرائیل برای لغو تحریم‌ها در ازای خروج ایران از سوریه، به توافقی رسیده است. همین تحول، این بحث را دوباره مطرح کرده که سیاست واقعی روسیه در قبال حضور ایران در سوریه چیست. یک بررسی عمیق‌تر نشان می‌دهد که برخلاف بعضی از دیدگاه‌ها، حضور ایران در سوریه از چندین زاویه برای روسیه منافی دارد و قاعدتاً این کشور نباید خواهان خروج ایران از سوریه باشد.

ریشه بحث استفاده از اهرم روسیه برای اعمال فشار بر خروج ایران از سوریه به سیاست کنونی دونالد ترامپ رییس‌جمهور آمریکا برمی‌گردد که معتقد است، توافق هسته‌ای آمریکا با ایران «بدترین توافق ممکنه» و یک اشتباه بزرگ بوده است؛ چون در عمل بر ابعاد قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران افزوده است. ترامپ با توجه به حساسیت ساختار آمریکا به امنیت رژیم اسرائیل و البته قول‌های انتخابات ریاست‌جمهوری که این توافق را به هم خواهد زد، خواهان توافق جدیدی با ایران به هر شکل ممکن است که در آن محدودیت فعالیت‌های موشکی و مهار نقش منطقه‌ای ایران هم به‌نوعی لحاظ شده باشند. این امر در عمل پیروی از خواسته رژیم اسرائیل است که حضور فعال ایران

* رییس شورای علمی مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

در سوریه را به‌عنوان گشایش جبهه دوم در کنار لبنان و تهدیدی امنیتی در نزدیکی مرزهای خود در نظر می‌گیرد. اسرائیل این بحث را مطرح می‌کند که حضور دائمی ایران در سوریه به‌طور اجتناب‌ناپذیر، منجر به شکل‌گیری منازعه بین این کشور و ایران خواهد شد. این تحول خود عواقب خطرناکی برای ثبات و امنیت منطقه و احتمال دخالت قدرت‌های بزرگ، مثل آمریکا و روسیه در این جنگ احتمالی و صف‌آرایی آنها در دفاع از متحدان خود می‌شود. نخست‌وزیر رژیم اسرائیل بنیامین نتانیاهو، چندین بار اعلام کرد که اسرائیل با قوت و شدت مواضع ایران را در خاک سوریه هدف قرار می‌دهد.

تردیدی نیست که روس‌ها از شکل‌گیری چنین منازعه‌ای بین ایران و اسرائیل نگران هستند؛ چون این امر می‌تواند معادله میدانی در سوریه را که اکنون به‌نفع روسیه و ایران و جبهه مقاومت رقم خورده، با ورود آمریکا به صحنه به‌نفع مخالفان دولت سوریه برهم بزند و انرژی جدیدی به رژیم‌های عربی ضد حکومت بشار اسد، همچون عربستان سعودی و امارات متحده عربی و حتی ترکیه بدهد؛ چون آمریکا در هر شرایطی خود را متعهد به حفظ امنیت اسرائیل می‌داند و قاعدتا تهدید امنیتی از سوی ایران در این زمینه را بر نمی‌تابد.

اما معادله ایران و اسرائیل در منطقه بر مبنای نوعی «توازن وحشت»، البته نه به مفهوم جنگ سرد، قرار گرفته است؛ یعنی دو طرف در مورد تهدیدات امنیتی خود قضاوت مستقلی داشته و به‌هیچ‌وقت به ملاحظات طرف سوم، مثلا اسرائیل به آمریکا یا ایران به روسیه، تکیه نمی‌کنند. بر این مبنای، یک اقدام عملی از سوی یک طرف، قطعاً منجر به اقدام متقابل از سوی طرف دیگر می‌شود. حتی در بعضی موارد دو طرف استراتژی دفع تهدید را از حالت «پیشگیری» به «پیشدستی» تغییر می‌دهند تا معادله قدرت بر مبنای بازدارندگی متقابل حفظ شود؛ به‌عبارت دیگر، دو طرف زبان یکدیگر را در انجام عمل متقابل امنیتی به‌خوبی می‌فهمند و تا حد امکان سعی می‌کنند خطوط قرمز تقابل و واکنش‌های احتمالی را رعایت و سنجش کنند.

اکنون نگرانی اصلی روس‌ها از یک منازعه مستقیم و گسترده نظامی بین ایران و اسرائیل بر مبنای وجود همین «توازن وحشت» رفع شده است. حمله هوایی اسرائیل

به پایگاه‌هایی در درون خاک سوریه، منجر به گسترش تنش و نگرانی روس‌ها در ماه‌های قبل شده بود؛ اما روس‌ها موفق شدند، دو طرف را قانع کنند که گذشتن از خط قرمز «توازن وحشت» عواقب خطرناکی برای کل منطقه دارد و به‌نفع هیچ‌یک نیست. آنها موفق شدند ایرانی‌ها را قانع کنند که اکنون به‌نفع معادلات میدانی سوریه نیست که با اسرائیل وارد منازعه مستقیم شوند و بهتر است، عمل ایران به همان اقدام متقابل فردی محدود شود. وگرنه همان‌گونه که مقامات روسی از جمله پوتین و لاوروف بارها اعلام کرده‌اند، روسیه ماموریت یا توان اعمال فشار بر ایران برای خروج از سوریه را ندارد. هم‌زمان روس‌ها با استقرار سیستم دفاعی اس ۳۰۰ در سوریه و تعیین خطوط قرمز و تهدید به سرنگونی جنگنده‌های اسرائیلی به‌نوعی معادله قوا را به‌نفع ایران و سوریه برقرار کردند. در این شرایط، طرح این بحث از سوی آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی، مثل فرانسه که برای جلوگیری از یک منازعه دیگر در منطقه باید به توافق هسته‌ای بهتری با ایران با محوریت مسایل موشکی و تغییر رفتار منطقه‌ای این کشور رسید در شرایط فعلی مشروعیت و اعتبار خاصی برای ایران و روسیه ندارد تا بر مبنای آن امتیازی به طرف مخالف بدهند.

فراتر از مسئله امنیت اسرائیل، حضور ایران در سوریه از چندین لحاظ به‌نفع روسیه است؛ نخست، روسیه در هر زمانی می‌تواند یک میانجی و متعادل‌کننده توازن قدرت بین ایران و اسرائیل باشد؛ نقشی که در حال حاضر تنها از سوی روسیه برمی‌آید. مدل جدید روسی خواهان گفتگو با همه بدون متعهد شدن است. دوم، روسیه با وجود ایران می‌تواند با ترکیه بر مسئله کردها و معادلات میدانی شمال سوریه چانه‌زنی و حتی در جهت تامین منافع خود به این کشور فشار بیاورد. سوم و مهمتر اینکه روسیه می‌تواند با کارت حضور ایران به چانه‌زنی دایمی با آمریکا و متحدان محافظه‌کار عربش، یعنی عربستان سعودی و امارات متحده عربی پردازد.

هم‌زمان این واقعیت را هم باید پذیرفت که روسیه در هر شرایطی به نقش ایران در شرایط پسامنازعه و حتی روند مذاکرات صلح و دستیابی به راهکار سیاسی پایدار در سوریه نیاز دارد. در دوران پسامنازعه فعالیت‌های نظامی روسیه محدود به پایگاه‌های نظامی این کشور در حاشیه دریای مدیترانه می‌شود و از این لحاظ، با برقراری احتمالی

آتش‌بس، مهمترین ابزار نفوذ و نقش روسیه، یعنی قدرت سخت‌افزاری نظامی آن کارآیی خود را تا حدی از دست می‌دهد. در این شرایط، روسیه به یک شریک قابل‌اعتماد منطقه‌ای، یعنی ایران نیاز دارد که قادر به شبکه‌سازی مردمی و تاثیرگذاری بر نیروهای سیاسی در میدان سوریه در شرایط شکل‌گیری یک دولت ائتلافی و فراگیر باشد.

هر چند بحث در زمینه حضور دایمی ایران در سوریه بسیار جدید و در افکار عمومی ایران نهادینه نشده و مقامات کشورمان هم بارها اعلام کرده‌اند که تنها برای مبارزه با تروریسم در سوریه حضور دارند، می‌توان پیش‌بینی کرد که حضور ایران از شکل حضور سخت‌مستشاری و نظامی فعلی به حضور نرم و شبکه‌ای با هدف تاثیرگذاری بر معادلات سیاسی سوریه در جهت تامین منافع ایران ادامه یابد. در این شرایط، بهتر است با یک دیپلماسی فعال و پیشرفته از پویایی نقش روسیه در صحنه سوریه استفاده کرد و هم‌زمان این پیام را به روسیه داد که مسئله توافق هسته‌ای و تحریم‌ها با معادلات منطقه‌ای، دو امر کاملاً متفاوت در محاسبات استراتژیک ایران هستند.